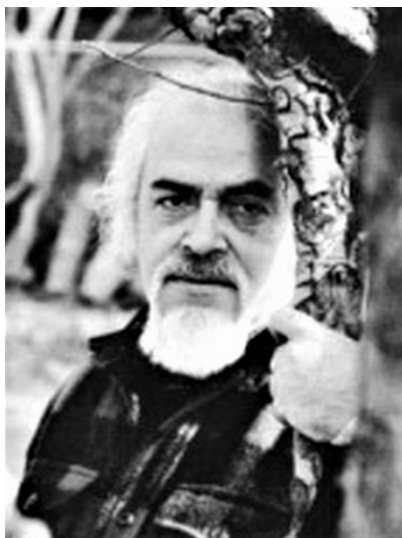


## وقتی که فارسی شکسته شد

مرتضی سیدی نژاد

صادق چوبک پیش از قصه‌نویسی مترجم بود و پس از قصه‌هایی که نوشت، آخرین اثری که از او منتشر شد، باز هم ترجمه بود. او در بوشهر متولد شد. در سال‌هایی که به خاطر حضور انگلیسی‌ها در این بندر، زبان انگلیسی رواج فراوانی داشت. چوبک تحصیلات متوسطه‌اش را در تهران و در کالج آمریکایی (دبیرستان البرز) به پایان رساند و در دوران خدمت سربازی به خاطر تسلط به زبان انگلیسی، مترجم رکن سوم ستاد ارتش بود. بعد از سربازی هم مترجم مستشاران آمریکایی، مترجم روابط عمومی سفارت انگلیس و معلم زبان انگلیسی دارالفنون و کالج البرز شد تا سرانجام



به‌عنوان مترجم به استخدام شرکت نفت درآمد.<sup>۱</sup> با این مشاغل، طبیعی بود که ترجمه از نخستین فعالیت‌های ادبی چوبک قبل از انتشار مجموعه داستان‌هایش باشد. نخستین ترجمه او در شماره نهم از سال دوم ماهنامه سخن به تاریخ مهر ۱۳۲۴ منتشر شد: ترجمه‌ای از نمایشنامه آمریکایی نوشته یوجین اونیل به نام پیش از ناشتایی. این اولین بار بود که اثری از اونیل به فارسی در می‌آمد و چوبک به خاطر ویژگی‌های خاص این متن نمایشی آن را به فارسی شکسته ترجمه کرده بود.

نوشتن به زبان محاوره یا گفتاری نویسی با آثاری مثل چهار تیاتر نوشته میرزا آقابتبری، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی به ترجمه میرزا حیب و بعد از آن با نوشته‌های دهخدا، احمد کمال‌الوزاره، حسن مقدم، جمال‌زاده و هدایت وارد ادبیات فارسی شده بود اما شکسته‌نویسی، آن‌هم در ترجمه فارسی تا پیش از چوبک، سابقه نداشت.<sup>۲</sup> احتمالاً به خاطر همین بود که پرویز ناتل خانلری سردبیر ماهنامه سخن دست به قلم شد و ضمن اشاره به سبک نوشته‌های اونیل درباره شیوه چوبک در ترجمه چنین توضیح داد:

اونیل بیشتر نمایشنامه‌های کوتاه می‌نویسد. آثارش دقیق و استادانه است. دنیایی که او وصف می‌کند دنیای مردم عادی و عوام است. او خود در طی زندگانی پرحادثه‌اش با این طبقه آشنا شده و حالات ایشان را خوب دریافته است. شیوه انشا و لغات و عبارات او نیز به همین مناسبت از زبان عوام آمریکا اقتباس شده است... اینک یکی از آثار این نویسنده مشهور را که تاکنون در ایران به کلی ناشناس مانده است از نظر خوانندگان می‌گذرانیم. این نمایشنامه از جمله بهترین و مؤثرترین آثار این نویسنده است. آقای صادق چوبک در ترجمه این قطعه کوشیده‌اند که مانند متن اصلی، لغات و اصطلاحات ساده و طبیعی و عامیانه را که در زندگانی عادی مورد استعمال افراد است به کار برند تا از این حیث نیز ترجمه از شیوه بیان و انشای مصنف حکایت کند.

خانلری شاید این چند خط را کافی نمی‌دانست چراکه مقدمه همان شماره از سخن را هم تحت عنوان «لفظ عامه و لفظ قلم» به این موضوع اختصاص داده بود و این باید از نخستین مقاله‌ها درباره گفتاری نویسی در زبان فارسی باشد:

در شیوه نگارش نویسندگان اخیر ایران اختلافی آشکار پدید آمده است... نویسندگان دوران اخیر ایران را از این نظر، دو گروه می‌توان دانست: یکی گروه ادیبانند که به اصالت و نجابت الفاظ معتقدند و دیگر دسته نویسندگان جدید که این قید و شرط را از بیان برداشته‌اند... این شیوه درست عکس رسمی است که تا چهل پنجاه سال پیش از این معمول بود. تا آن تاریخ کسانی که با قلم و کتاب سر و کار داشتند می‌کوشیدند که در گفت‌وگو نیز لغات و تعبیرات ادبی را به کار برند و الفاظ را درست چنان‌که در کتاب‌ها ثبت شده است، تلفظ کنند و اصطلاح «لفظ قلم» از اینجا پدید آمده است. اکنون نویسندگان جوان می‌کوشند که اصطلاحات عامه را، هر چه بیشتر، در نوشته‌های خود بیاورند و اسلوب محاوره را به جای سبک ادبی قدیم بنشانند...

دورانی که خانلری از آن صحبت می‌کند و ترجمه چوبک هم مربوط به همان دوران می‌شود، سال‌های پس از کودتای ۱۳۲۰ است. نجف دریابندری ضمن اشاره به ترجمه چوبک، در توصیف آن سال‌ها چنین می‌گوید:

ما داریم درباره سال‌های بعد از شهریور ۲۰ حرف می‌زنیم. برای کسانی که سال‌های پیش از آن را ندیده‌اند تصور فضای آن سال‌ها آسان نیست... چیزی که همیشه به نظرم می‌آید این است که انگار در این لحظه، تاریخ مثل قطار راه‌آهن از یک تونل دراز و تاریک بیرون می‌آید و وارد فضای باز می‌شود. این فضای باز، فضای قرن بیستم است. در آن موقع چهل سال از عمر قرن می‌گذشت، ولی ما پیش از آن در عصر دیگری زندگی می‌کردیم، چه از لحاظ اجتماعی و سیاسی و چه از لحاظ فرهنگی و ادبی. به خصوص از لحاظ ادبی، چون از لحاظ سیاسی و اجتماعی عقب‌ماندگی خیلی آشکار است، ولی از لحاظ ادبی آن قدر آشکار

نیست. حالا که به آثار دوره پیش از شهریور ۲۰ نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در میان این آثار هیچ نشانه‌ای از ادبیات مدرن به چشم نمی‌خورد... من چند تا از کارهایی را که روی خود من خیلی اثر کردند برای شما می‌شمارم. داستانی به نام «دیوار» اثر ژان پل سارتر ترجمه صادق هدایت در مجله سخن؛ داستانی به نام «کراکوس شکارچی» اثر فرانتس کافکا ترجمه صادق هدایت در همان مجله؛ نمایشنامه‌ای به نام پیش از ناشتایی اثر یوجین اونیل ترجمه صادق چوبک باز در مجله سخن؛ داستانی به نام «کارگر بیمار» اثر دی. اچ. لارنس ترجمه صادق چوبک در مردم ماهانه... همه اینها نمونه‌های نوع تازه‌ای از ادبیات بودند که من قبلاً نظیرشان را ندیده بودم، و به زبانی ترجمه شده بودند که برای ما یعنی برای نسل من تازگی داشت.<sup>۳</sup>

ترجمه‌های چوبک اندک اما تأثیرگذار بودند. صفدر تقی‌زاده ترجمه چوبک از نمایشنامه اونیل را نخستین اثر ترجمه‌شده از آثار ادبی مدرن آمریکا دست‌کم در زمینه نمایشنامه‌نویسی دانسته و درباره چوبک نوشته است:

نخستین کتاب او، مجموعه داستان خیمه شب بازی، دو ماه پس از چاپ ترجمه آن نمایشنامه کوتاه منتشر شد؛ یعنی پیش از نوشتن داستان‌های کوتاه خیمه شب بازی، با تحولات داستان‌نویسی کشورهای انگلیسی‌زبان به‌ویژه آمریکا آشنا بود و می‌توان به‌راحتی رد چند داستان کوتاه و شاخص آن ایام را از لحاظ ساختار داستانی در داستان‌هایش پی گرفت و دید که چگونه از لحاظ پرداخت فنی و غنای تصویری از نحوه نگاه و شگردهای نوین و صناعات داستان‌نویسی آن دیار تأثیر پذیرفته است.<sup>۴</sup>

بخشی از نمایشنامه پیش از ناشتایی به ترجمه صادق چوبک:

خانم راولند خمیازه‌کشان از خوابگاه داخل اتاق می‌شود...

آلفرد! آلفرد! ... نمی‌فهمی که نزدیک ساعت نهه؟ خیال داری تمام روز تو رخت‌خواب بخوابی؟ من خودم به‌قدر کافی از تبلی تو خبر دارم که اگه بذارت تا قیومت تو رخت‌خواب می‌خوابی... خدا خودش می‌دونه چه ساعتیه. از روزی که ساعت تو مته احمقا گرو گذاشتی دیگه وسیله وخت‌شناختن هم نداریم. تو خودت می‌دونی که تنها چیز قیمتی که داشتیم همین یه دونه ساعت بود. همه‌ش گرو، گرو، گرو - که کار نگیری! همه‌ش برای اینکه مته مرد سر کار نری.

آلفرد! بلند شو! نمی‌شنفی؟ می‌خوام پیش از اونی که برم بیرون رخت‌خوابو درسش کنم. ذله شدم. این که نمی‌شه که برای خاطر تو این جا همیشه نامرتب باشه. اونم از یه جایی پخورده پولی تهیه نکنی. این وضع پایدار نمی‌مونه. خدا می‌دونه که من بیش از قوه خودم کار می‌کنم. روز که سر کار مثل آقاها تو عرق‌فروشی‌ها با یه مشت از آرتیست‌های محله که یه قاز ارزش ندارن وول می‌زنید بنده می‌رم خیاطی... اصلاً می‌خوام بدونم تو از کجا پول می‌آری؟ اجاره که این هفته سر می‌ره و خودت هم خوب صاحب‌خونه رو می‌شناسی که یه

دقیقه بیش از موعده نمی‌ذاره ب‌مونه. تو می‌گی نمی‌توننی کار پیدا کنی، خودت می‌دوننی که دروغ می‌گی. تو هیچ‌وقت دنبال کار رفتی که پیدا نکردی؟ تو فقط کارت اینه که تمام روز ول بگردی و شعر و قصه‌های بی‌سر و ته که هیشکی نمی‌خره بنویسی. بایدم نخرن. من می‌بینم که هر وخت بخوام برام کار هست. همین طوری که خودت می‌بینی دیگه، اگر کار نبود که از گشنگی می‌مردیم.

باید هر جوریه امروز از هر جا که شده پولی رو به راه کنی. من دیگه کاری از دستم ساخته نیس و کاری هم نمی‌کنم. باید عقلت تو سرت باشه. اگه بشه گدایی کنی، قرض کنی، دزدی کنی، باید امروز پول پیدا کنی... ❁

### پی‌نوشت:

- ۱ صادق چوبک: دیروز، دفتر هنر، شماره سوم، نوروز ۱۳۷۴، ص ۱۵۷. بازچاپ با عنوان «زندگی من» در: یاد صادق چوبک، به‌کوشش علی‌دهباشی، نشر ثالث ۱۳۸۰، ص ۱۶.
- ۲ درباره شکسته‌نویسی در فارسی رجوع کنید به این منابع:  
احمد سمیعی گیلانی: نگارش و ویرایش، سمت ۱۳۷۸ - علی صلح‌جو: بشکنیم یا نشکنیم، مقاله در فصل‌نامه مترجم، شماره ۴۵، تابستان ۱۳۸۶ - همو: اصول شکسته‌نویسی، نشر مرکز ۱۳۹۱ - امید طبیب‌زاده: مبانی و دستور خط فارسی شکسته، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۹۸ - همو: فارسی شکسته، کتاب بهار ۱۳۹۸ - منوچهر انور: زبان زنده، کارنامه ۱۳۹۸.
- ۳ نجف دریابندری: یک گفت‌وگو، ناصر حریری، کارنامه، زمستان ۱۳۷۶، صص ۴۰-۴۱.
- ۴ صفدر تقی‌زاده: صادق چوبک و تأثیرپذیری از ادبیات داستانی مدرن آمریکا، ماهنامه کلک، شماره ۱۴۵، اسفند ۸۲ و فروردین ۸۳، ص ۴.